

موج های واقعه غدیر

مقدمه

اگر مولا ولی می شد چه می شد؟

خلیفه گر علی می شد چه می شد؟

نه امت از علی محروم می ماند

نه حق بی یاور و مظلوم می ماند

رسول اکرم «ص» داستان غدیر را ساده و بی اهمیت بر گزار نکرد، بلکه تا آنجا که توان داشت قبل از حادثه غدیر، در حین ایراد خطبه و بعد از آن با دستورات و عنایات الهی رفتارهایی را انجام داد که هر یک به حادثه غدیر بها و موج می داد. کیفیت اعلان رفتن به حجّه الوداع و نام هایی که برای آن انتخاب شد، حضور جمعیت کثیر، همراه بردن صحابه و سرشناسان آنها، سخنرانی هایی که پیامبر «ص» قبل از خطبه غدیر ایراد فرمودند، آیاتی که قبل و بعد از خطبه غدیر نازل شدند، نکات مهم در متن خطبه، کیفیت بیعت گرفتن از مردم، بیعت خواص و... همه از نقاط برجسته در واقعه غدیر به حساب می آیند.

الف) اعلان رسمی و همگانی

پیامبر اکرم «ص» بعد از هجرت به مدینه منوره، سه بار به مکه مشرف شدند. بار اول در سال هشتم که پس از صلح حدیبیه به عنوان انجام «عمره القضاء» وارد مکه شدند، ولی هرگز برای حضور در این عمره اعلان عام ندادند و جمعیت زیادی هم شرکت نکرد. بار دوم در سال نهم هجری به عنوان «فتح مکه» وارد این شهر شدند. مجموع جمعیت شهر حدود ۱۰ هزار نفر بود. سومین و آخرین بار هم در

سال دهم هجری، روز شنبه، پنج یا ششم ذی القعدة بود که آن را «حجّه الوداع» نامیدند و به طور رسمی اعلان حج عمومی دادند.

این اعلان عام و فراگیر به مردم مدینه، اطراف مدینه، مکه، یمن و اطراف آن خبر داده شد، لذا جمعیت زیادی بین نود تا یکصد و بیست و چهار هزار نفر همراه پیامبر «ص» به سوی مکه به راه افتادند. [۱] این در حالی بود که هنگام حرکت حضرت، بیماری آبله و حصه در مدینه آمده بود و عده زیادی را از رفتن باز داشت. تازه اینها غیر از کسانی بودند که در مکه حضور داشتند. در حدود دوازده هزار نفر هم همراه امیر مؤمنان علی «ع» از یمن و عده ای در معیت ابوموسی اشعری آمدند. [۲]

این واقعه را می توان در کلام خداوند یافت، آنجا که دستور داد: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»؛ [۳] «و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند».

این حج، به نام «حجّه الوداع» (آخرین حجّ پیامبر) «ص»، «حجّه البلاغ»، به خاطر نزول آیه تبلیغ، «حجّه الکمال» به خاطر نزول آیه «اَکْمَلْتُ لَكُمْ» و «حجّه التمام» به خاطر «اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعَمَتِي» نامیده شده است [۴] که خود این مسئله، به نوعی یک برجستگی برای غدیر به حساب می آید.

ب) نحوه حرکت از مدینه و همراهان

کیفیت خروج حضرت از مدینه موج آفرین بود. علامه امینی در این باره می نویسد: «فَخَرَجَ 6 مِنْ الْمَدِينَةِ مُغْتَسِلًا مُتَرَجِّلًا مُتَجَرِّدًا فِي ثَوْبَيْنِ صَحَارَيْنِ إِزَارٍ وَرِدَاءٍ»؛ [۵] پیامبر «ص» در حالی که

غسل کرده و روغن زده بود، با پای پیاده و بدون لباس از مدینه خارج شد. ایشان فقط دو جامه که نماد سفیدی داشت به عنوان ازار و رداء (یعنی همان لباس احرام) را بر تن کرده بود.

این حالت در مدینه توجه برانگیز و حرکت آفرین بود، از این رو جمعیت زیادی با پیامبر «ص» همراه شدند.

در کنار این حالت رسول خدا «ص»، موضوع قابل توجه دیگر، حضور همسران آن حضرت در این سفر بود «وَأَخْرَجَ مَعَهُ نِسَاءَ كُلِّهِنَّ فِي الْهُدُودِاجِ» [۶] و با رسول خدا «ص» همه زنان در هوداج خارج شدند. و همین طور فرزندان آن حضرت از جمله حضور فاطمه زهرا «س» در این حج و در جریان غدیر. [۷]

ج) روی آوردن مردم به اسلام

مسئله دیگری که در «غدیر» خیزش و موج ایجاد کرد، این بود که بعد از فتح مکه، در اواخر سال نهم و آغاز سال دهم هجری، مردم جزیره العرب و طوائف و قبایل، فوج فوج به اسلام روی آوردند: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»؛ [۸] «و مردم را می بینی که گروه گروه وارد دین خدا می شوند». [۹]

هجوم این طوائف و قبایل به سوی اسلام، نقش زیادی در حضور جمعیت کثیر در حجه الوداع و ایجاد موج در جریان غدیر داشت، و گرنه در سال نهم کل جمعیتی که در فتح مکه حضور داشتند فقط ده هزار نفر بود و با اینکه اعلام عمومی برای شرکت در جنگ و فتح مکه داده شده بود، پس از گرایش قبایل به اسلام، ناگهان این جمعیت در سال بعد به ده برابر افزایش یافت.

د) سخنرانی در منا

پیامبر «ص» در خطبه منا، ابتدا به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جان و مال و آبرو و سپس به خون های بناحق ریخته شده و اموال به غارت رفته در دوران جاهلیت اشاره کردند. آنگاه مردم را از اختلاف و دشمنی بعد از خود برحذر داشتند و چند مسئله را تصریح فرمودند:

یک: خبر از رحلت خویش

«فَإِنِّي لَا أَدْرِي لَعَلِّي لَا أَلْقَاكُمْ بَعْدَ عَامِي هَذَا» [۱۰] به راستی نمی دانم. شاید بعد از این سال شما را ملاقات نکنم.»

دو: خبر از ارتداد گروهی

«هشیار باشید! به زودی گروهی از مردان شما بر من کنار حوض (کوثر) وارد و از من دور می شوند. می گویم: پروردگارا [اینها] اصحاب من هستند. پس گفته می شود: ای محمد! آنها بعد از [رحلت] تو، بدعت گذاری کردند و سنت ات را تغییر دادند. پس می گویم: دور باد از رحمت خدا، دور باد.» [۱۱]

سه: بیان مکرر حدیث ثقلین

حضرت بارها حدیث ثقلین را یادآوری کردند و در بخشی از خطبه منا فرمودند: «أَلَا وَإِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ أَلَا فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمَا فَقَدْ نَجَا وَمَنْ خَالَفَهُمَا فَقَدْ هَلَكَ أَلَا هَلْ بَلَغْتُ» [۱۲] توجه کنید دو امر در بین شما باقی می گذارم، اگر به آن دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. به راستی خدای ریزبین و آگاه به من خبر داد که آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا در حوض (کوثر) بر من وارد شوند. بیدار باشید! هر کس

به آن دو چنگ زند، نجات می یابد و هر کس مخالفت کند، هلاک می شود. آیا من [پیام خداوند را] رساندم؟» همه گفتند: بلی.

هـ) سخنرانی مسجد خیف

در آخرین روز ایام تشریق در منا، سورۀ نصر نازل شد. حضرت ندا دادند که مردم برای نماز جماعت در مسجد «خیف» اجتماع کنند. بعد از حمد و ثنای الهی در ابتدای خطبه تأکید فرمودند که گفته های ایشان را خوب به خاطر بسپارند و حاضران به غائبان برسانند. حضرت فرمودند: «خدا نیکو گرداند امر و کار کسی را که سخنان مرا می شنود، سپس آن را حفظ می کند و به کسانی که حضور ندارند، می رساند. پس چه بسیار کسانی که حامل فقه و آگاهی هستند، اما خود غیر دانا هستند و چه بسیار کسانی که حامل فقه و آگاهی هستند به کسانی که از آنها برتر و داناترند.» [۱۳]

پیامبر «ص» در ادامه خطبه به اخلاص در عمل و دلسوزی برای امام مسلمین و دوری از تفرقه سفارش و اعلام کردند که تمام مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی یکسانند. آن گاه بار دیگر حدیث ثقلین را یادآوری کردند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ...» [۱۴] ای مردم! بیدار باشید. به راستی من در بین شما دو چیز گرانبها می گذارم....»

تکرار حدیث ثقلین واقعاً مؤثر بود. عده ای به خوبی مقصود پیامبر «ص» را از این اقدامات متوجه شدند، از این رو دست به توطئه زدند. در این زمینه می خوانیم: «فَاجْتَمَعَ قَوْمٌ مِنْ أَصْحَابِهِ وَقَالُوا: يَرِيدُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَجْعَلَ الْإِمَامَةَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَخَرَجَ مِنْهُمْ أَرْبَعَةٌ نَفَرَ إِلَى مَكَّةَ...» [۱۵] گروهی از صحابه اجتماع کردند و گفتند: محمد اراده کرده که امامت را در اهل بیت خود قرار دهد. پس چهار نفر از آنها به سمت مکه و داخل کعبه رفتند و پیمان نامه ای نوشتند که اگر خدا، پیامبر «ص» را از دنیا برد و یا کشته شد، نگذارند به هیچ وجه خلافت به اهل بیت او برگردد. پس خداوند بلندمرتبه این آیه را بر پیامبرش نازل فرمود: «بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه

گرفتند. ما نیز اراده محکمی [درباره آنها] داریم. آیا آنان می پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی شنویم؟ آری، رسولان (و فرشتگان) ما نزد آنها هستند و می نویسند.»

در واقع این افراد [۱۶] تلاش هایی انجام دادند که جلوی حرکت عظیم پیامبر «ص» را بگیرند، ولی با عنایت الهی موفق نشدند.

و خطبه غدیر

خطبه غدیر و انتخاب محل آن و نکاتی که در آن مطرح شد موج هایی را در حادثه غدیر ایجاد کرد که به اهم آنها اشاره می شود:

۱- توقف در جحفه

پیامبر «ص» در جحفه، محل غدیر خم دستور به توقف دادند. به آنهایی که از آنجا گذشته بودند، دستور دادند که برگردند و منتظر ماندند تا افرادی که نرسیده بودند، به آنان ملحق شوند. این نشان می دهد که مسئله آن قدر مهم بود که همه افراد باید حضور می داشتند.

۲- اعلام نزدیک بودن رحلت

تذکر این نکته که رحلت آن حضرت نزدیک است، نشان از آن دارد که در پی مطرح کردن جانشین خویش بودند. در متن خطبه غدیر می خوانیم: «وَإِنِّي أَوْشَكُ أَنْ أُدْعَى فَأُجِيبُ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ قَالُوا نَصَحْتَ» [۱۷] و بدانید که من نزدیک است که [به سوی حق] دعوت شوم، پس اجابت کنم [و از دنیا بروم]، حال شما چه می گوید؟ گفتند: نصیحت کردی [و خیر خواه بودی]».

این جملات از چند جهت محرک بود. اولاً عاطفه دوستداران پیامبر «ص» را تحریک می کرد که رحلت آن حضرت نزدیک است. ثانیاً مردم را به این پرسش وامی داشت که چرا حضرت خبر

نزدیک شدن مرگ خود را به مردم می گوید و حتماً هدف و غرضی دارد. ثالثاً ذهن کنجکاو مردم را به این سو سوق می داد که بعد از پیامبر «ص» چه کسی باید خلیفه و جانشین ایشان باشد؟

۳- خدا و رسول بر جان مؤمن ولایت دارند

نکته برجسته دیگر طرح این پرسش بود که چه کسانی بر جان و مال مؤمنین ولایت دارند؟ خود پرسش و جواب گرفتن از مردم، وجدان ها را بیدار و در نتیجه موج ایجاد می کرد: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ أَهْلُ بَيْتِي، يَقُولُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مِرَّاتٍ...» [۱۸] ای مردم! چه کسانی برترین مردم هستند نسبت به مؤمنین [و بر آنها ولایت دارند]؟ گفتند: خدا و رسول او داناترند. فرمود: برترین مردم نسبت به مؤمنین، اهل بیت من هستند. و این را سه بار تکرار فرمود.

۴- خطبه غدیر و آیات مطرح شده [۱۹]

دل را ولا و حب علی باصفا کند

هر درد را محبت مولا دوا کند

آن شاهکار خلقت و فرمانروای عشق

مدحش به آیه آیه قرآن خدا کند

مسئله دیگری که در جریان غدیر، موج ایجاد کرد، آیاتی است که در متن خطبه به کار برده شده است. به عنوان نمونه:

۱- آیه تبلیغ: [۲۰] «ای پیامبر! آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم]

برسان که اگر این کار را نکنی، رسالت او را انجام نداده ای. خداوند تو را از [خطرات احتمالی]

مردم نگاه می دارد». [۲۱]

۲- آیه ولایت: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...»؛ [۲۲] «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر

«ص» او و آنها که ایمان آورده اند. همانهایی که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می

دهند». [۲۳]

۳- رسول خدا (ص) فرمودند: «ای مردم! قرآن بیان می کند که امامان بعد از او علی «ع» فرزندان او

هستند و من نیز به شما اعلام کردم که آنان از [نسل] من و او هستند. آنجا که خداوند عزیز و جلیل

می فرماید: «كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»؛ [۲۴] «کلمه پاینده در نسل او»

۴- آیه بیعت: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ...»؛ [۲۵] «کسانی که با تو بیعت می کنند [در حقیقت] تنها با

خدا بیعت می نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها بر زیان

خود پیمان شکسته است.»

و همین طور آیات اکمال، افشای منافقین [۲۶] و در پایان اشاره فرمودند که آیات متعددی درباره

علی «ع» در قرآن نازل شده است: «و آیه خشنودی [پروردگار] جز درباره او نازل نشده است و

مخاطبه خداوند با مؤمنان آغازش با علی «ع» است. آیه مدحی در قرآن نازل نشده است مگر او

داخل آن است. «هل اتی» بهشت را برای او شهادت داده است و سوره «هل اتی» درباره غیر او [و

اهل بیت اش] نازل نشده است و جز او به وسیله آن مدح نشده است». [۲۷]

۵- امامت امامان و حضرت مهدی (عج)

نکته موج آفرین دیگر، طرح امامت تمام امامان دوازده گانه در خطبه غدیر است، برخلاف آنچه که در اذهان عمومی جا گرفته است، حضرت در بیش از شش مورد بر امامت تمام امامان تصریح فرموده اند. [۲۸] از جمله فرمودند: «ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى وَلِيِّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّ اسْمُهُ وَرَسُولُهُ؛ [۲۹] سپس بعد از من، به فرمان خدا، علی «ع» ولی و امام شماست. سپس تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید، امامت در نسل من از فرزندان علی «ع» باقی است».

امامت حضرت مهدی «عج» و دستاوردهای حکومت ایشان نیز در خطبه غدیر مطرح شده است: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ؛ [۳۰] ای مردم! به راستی من نبی، و علی وصی من است. بدانید که آخرین امامان از ما، مهدی قائم است...»

تجسمی نمودن حادثه ولایت علی «ع»

نکته برجسته دیگر، تأکید و تکرار ولایت علی «ع» بود. علامه امینی در بخش دیگری از خطبه غدیر به نقل از اهل سنت نقل می کند که پیامبر «ص» فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ؛ [۳۱] يَقُولُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَفِي لَفْظِ أَحْمَدَ إِمَامَ الْحَنَابِلَةِ: أَرْبَعَ مَرَّاتٍ؛ به راستی خدا، مولای من است و من مولا و سرپرست مؤمنان و بر آنها از خودشان اولی هستم. پس هر کس من مولا و سرپرست او بوده ام، علی مولا و سرپرست اوست».

پیامبر «ص» این جمله را سه بار و بنا بر قول احمد، امام حنابله چهار بار تکرار کردند. ایشان علاوه بر تکرار، موضوع را به صورت تجسمی هم نشان دادند، به این صورت که دست علی «ع» را بالا بردند و تأکید کردند که این علی را می گویم نه فرد دیگری را.

به راستی پیامبر اکرم «ص» در بحث ولایت و امامت، سنگ تمام گذاشتند و با روش های گوناگون مسئله را تبیین کردند. حتی اهل بیت «ع» را در جریان نزول آیه تطهیر و حدیث کساء زیر عبا قرار

دادند و فرمودند: اینها اهل بیت من هستند، تا عده ای نیایند و بگویند که همسران پیامبر «ص» نیز داخل اهل بیت هستند [چنانکه گفتند]. در اینجا نیز دست علی «ع» را بالا بردند تا بر همه روشن شود که مقصود، علی بن ابی طالب «ع» است» [۳۲].

۷- تأکید بر انتقال به دیگران

تأکید به این امر که حاضران به غائبان برسانند و نسل امروز به نسل فردا در روایات و نقل اهل سنت نیز آمده است: «أَلَا قَلِيلٌ لِّبَلِّغِ الشَّاهِدِ الْغَائِبِ» [۳۳] توجه کنید باید که حاضران به غائبان [داستان غدیر را] برسانند؛ ولی نقل های شیعه آمده، با تأکید و وضوح بیشتری بیان شده اند. در بخشی از خطبه غدیر می خوانیم:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَغْتُ...» [۳۴] ای مردم! خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خود تا روز قیامت به ودیعه می سپارم. من ابلاغ کردم آنچه را که مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر هر حاضر و غائبی و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.»

پیامبر «ص» به این هم اکتفا نکردند، بلکه از آنان تعهد گرفتند که جریان غدیر را به نسل های آینده برسانند:

«فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ...» [۳۵] سپس همگی بگویید... [ای رسول خدا، این مطالب خطبه غدیر را] از طرف تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیل هایمان می رسانیم و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار شاهد هستی».

۸- عیامه «سحاب» یا همان تاج

پیامبر اکرم «ص» در جریان غدیر خم، عمامه خود «سحاب» را به عنوان تاج افتخار بر سر امام علی «ع»، نهادند. محمد جوینی از امام باقر «ع» در این زمینه چنین نقل کرده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَمَّ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ عَمَامَتُهُ السَّحَابَ فَأَرْخَاهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ؛ [۳۶] پیامبر «ص» [در مراسم غدیر خم] عمامه خود «سحاب» را بر سر علی بن ابی طالب «ع» قرار دادند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت آویزان کردند و فرمودند: «الْعَمَائِمُ تَيْجَانُ الْعَرَبِ؛ [۳۷] عمامه ها تاج های عرب است».

امام علی «ع» خود گزارش داده اند که: «عَمَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ بِعَمَامَةٍ...» [۳۸] رسول خدا (ص) در غدیر خم عمامه ای بر سرم بستند و یک طرفش را بر دوشم رها کردند و فرمودند: خداوند در روز بدر و حنین مرا به وسیله ملائکه ای که چنین عمامه ای بر سرم داشتند، یاری فرمود». عمامه گذاردن از این جهت مؤثر است که اولاً در مردم شوق و شادی ایجاد می کند و ثانیاً نشانه رسیدن به مقامی است همچون امامت و وصایت. [۳۹]

۹- بیعت گرفتن رسمی

حضرت در متن خطبه غدیر بر بیعت گیری و بیعت کردن مردم پای فشردند. این نیز نکته مهمی است زیرا نشان می دهد که بحث امامت و پیشوایی مطرح است نه فقط دوستی و محبت، لذا فرمودند: «ای مردم! من برایتان بیان کردم و به شما فهماندم و این علی است که بعد از من به شما می فهماند. بدانید که من بعد از پایان خطابه ام، شما را به دست دادن با خودم به عنوان بیعت با او و اقرار به او و بعد از من به دست دادن با او فرا می خوانم. بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم».

«ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید. پروردگارم مرا مأمور کرده است که در باره آنچه برای علی امیرالمؤمنین «ع» و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، منعقد نمودم، از زبان شما اقرار بگیرم...» آنگاه فرمودند:

«ای مردم! با خدا و با من بیعت و با علی امیرمؤمنان «ع» و حسن و حسین و امامان «ع» از ایشان به عنوان کلمه باقیه بیعت کنید». [۴۰]

و نیز فرمودند: «هر کسی بیعت را بشکند، به ضرر خویش شکسته است، و هر کسی به آنچه که با خدا پیمان بسته است وفا کند، خداوند به او اجر بزرگی عنایت می فرماید...».

موج هایی که خداوند ایجاد کرد

خداوند متعال علاوه بر دستوراتی که به پیامبر اکرم «ص» داده بود، آیاتی را نیز مستقیماً نازل کرد که همه موید حادثه غدیر هستند.

۱- نزول سوره نصر در منا

علامه مجلسی نقل کرده است که در روزهای آخر ایام تشریق، سوره نصر: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْح...»؛ بر پیامبر «ص» نازل شد که هم روی آوردن مردم به اسلام و هم به نحوی نزدیک بودن رحلت پیامبر اکرم «ص» را گوشزد می کند.

۲- نزول آیه تبلیغ

پیامبر «ص» فرمودند: «ای مردم! من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده، کوتاهی نکرده ام. جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام رساند... و مرا مأمور کرد که آنچه را که وحی شده است، بیان کنم. خداوند چنین وحی کرده است: «ای پیامبر! آنچه را که از طرف

پروردگارت نازل شده، ابلاغ کن و اگر انجام ندهی، رسالت او را نرسانده ای و خداوند تو را از مردم حفظ می کند».[۴۱]

علامه امینی از سی منبع اهل سنت نقل کرده است که این آیه در روز ۱۸ ذی‌الحجه بر پیامبر اکرم «ص» نازل شد.[۴۲]

نزول این آیه از چند جهت مهم بود:

یک: نزول مکرر آن بر پیامبر اکرم «ص»

دو: تهدید شدید پیامبر اکرم «ص» که اگر مسئله مورد نظر را ابلاغ نکنند، در واقع رسالت الهی را انجام نداده و زحمات ۲۳ ساله او هدر رفته است

سه: خبر از اینکه اعلام این امر مخالفان سرسختی دارد، ولی خداوند، پیامبر «ص» را از توطئه دشمنان محافظت می کند.

۳- نزول آیه اکمال دین و اتمام نعمت

۴- نزول آیه «سئل سائل»

پی نوشت ها

[۱] الغدير، علامه امینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۹، به نقل از: الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۳، ص ۲۲۵، امتاع المقریزی، ص ۵۱۰؛ ارشاد الساری، ج ۶، ص ۴۲۹.

[۲] الغدير، ص ۹، به نقل از: السيره الحلبیه، ج ۳، ص ۲۸۳؛ سیره احمد زینی دحلان، ج ۳، ص ۳، تاریخ الخلفاء، ابن جوزی، ج ۴، تذکره الخواص الامه، ص ۸؛ دایرة المعارف فرید وجدی، ج ۳، ص ۵۴۲.

[۳] حج، ۲۷.

[۴] الغدير، ص ۹.

[۵] همان، ص ۹.

[۶] همان.

[۷] در ذیل داستان حارث فهری، به حضور فَعَال فاطمه زهرا «س» در حادثه غدیر اشاره می شود.

[۸] نصر، ۲.

[۹] از جمله قبایلی که مسلمان شدند، عبارت بودند از: قبيله بنی عبدقیس؛ بنو حنیفه؛ بنو طی و وو ر، ک: (دائرة معارف القرن العشرين، محمد فرید وجدی، ج ۳، ص ۵۴۵ و ۵۴۶، بیروت، دارالمعرفه، ج ۰۳).

[۱۰] بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التراث، ج ۳۷، ص ۱۱۳، ج ۶.

[۱۱] همان، ص ۱۱۴، ادامه حدیث ۶ و ر. ک: منابع روایی و تاریخی اهل سنت.

[۱۲] بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۱۴.

[۱۳] بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۶۸، باب ۳.

[۱۴] همان، ج ۳۷، ص ۱۱۴.

[۱۵] بحارالأنوار، ج ۳۷، ص ۱۱۳، باب ۵۲؛ زخرف/ ۷۹ و ۸۰.

[۱۶] این افراد همان اصحاب «صحیفه ملعونه» هستند.

[۱۷] الغدیر، ج ۱، ص ۳۳، به نقل از مطالب السؤال، ابن طلحه شافی، ص ۱۶ و مجمع الزوائد، ابوبکر هیثمی، ج ۹، ص ۱۰۴.

[۱۸] همان، به نقل از منابعی چون: الریاض النضرة، ج ۲، ص ۶۹؛ تلخیص، ذهبی، ج ۳، ص ۵۳۳.

[۱۹] قابل ذکر است که آیات مطرح شده براساس نقل شیعیان است؛ ولی در نقل اهل سنت، این آیات نیامده است. با این که در تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۱، ج ۵۴۱؛ كنز العمال هندی، ج ۱، ص ۱۸۸، ج ۹۵۸ و البدایه والنهایه، ج ۷، ص ۳۶۲ و... تعبیر خطبه شده است؛ ولی کل آن بیش از یک صفحه و نیم که در الغدیر، ج ۱، ص ۱۰ - ۱۱ آمده، نیست؛ ولی در منابع شیعه خطبه مفصل است.

[۲۰] مائده، ۶۷.

[۲۱] ر. ک: بحار، ج ۳۷، ص ۲۰۶.

[۲۲] مائده، ۵۵.

[۲۳] بحار، ج ۳۷، ص ۲۰۶.

[۲۴] زخرف/ ۲۸؛ بحار، ج ۳۷، ص ۲۱۵.

[۲۵] فتح، ۱۰؛ بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۲۶ و ص ۱۶۶؛ الغدیر، همان، ج ۱، ص ۵۸.

[۲۶] نور، ۱۵، برای اطلاع بیشتر، ر. ک: پاسدار اسلام، ش ۲۸۹، ص ۲۰، مقاله «خطبه غدیر و آیات مطرح شده در آن»، از نگارنده.

[۲۷] بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۵.

- [۲۸] مقاله تحت عنوان «حدیث غدیر، امامت علی«ع» و معصومین«ع» در مجله شماره ۶۲ مبلغان به چاپ رسیده است.
- [۲۹] بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۷ و ۲۰۸؛ عوالم العلوم، شیخ عبدالله بحرانی، ج ۱۵، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.
- [۳۰] بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۲.
- [۳۱] الغدیر، ج ۱، ص ۱۱.
- [۳۲] همان، ج ۱، ص ۳۳.
- [۳۳] همان، ص ۱۱ و ۳۳.
- [۳۴] بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۱؛ عوالم العلوم، ج ۱۵، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.
- [۳۵] همان، ج ۳۷، ص ۲۱۵.
- [۳۶] الغدیر، ج ۱، ص ۲۹۱ و ۲۹۲؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۷۶، باب ۱۲.
- [۳۷] الغدیر، ج ۱، ص ۲۹۱.
- [۳۸] همان.
- [۳۹] الغدیر، ص ۲۹۰ - ۲۹۳.
- [۴۰] عوالم العلوم، ج ۱۵، ص ۳۲۸؛ الغدیر، ج ۱، ص ۳۹۹ و ۳۴۰.
- [۴۱] بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۸۰ - ۱۸۱؛ عوالم العلوم، ج ۱۵، ص ۳۰۷.
- [۴۲] الغدیر، ج ۱، ص ۲۱۴ - ۲۴۷.